

شماره کارت: ۸۷۰

ترجمه و برداشتی

از

قرآن مجید

جزوه بیست و نهم

ترجمه و برداشت از: استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ

وَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِيَّما عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِداءِ

«پیشگفتار»

این جزوی با موضوع بندی مسئله «تذکرہ نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه‌ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه‌ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تذکرہ نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تذکرہ نفس است در این جزوی آورده شده است. ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می‌نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبیر بیشتری در قرآن و توجه دوستان به سخنان حضرت حق جل و علا یادآوری شده است.

تا انشاء الله سالکین الى الله با تأمل زیادتی موفق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوی قرائت می‌شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیاتی که مربوط به تذکرہ نفس است را پشت سرهم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوی آورده شده است و بعدها سائر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه‌ای آورده خواهد شد انشاء الله.

به امید مرتفیت والسلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آيات ٦٣ - ٦٢ از سوره یوسف

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا يَا آبَانَا مُنْعِ مِنَ الْكَيْلِ فَأَرْسَلْ

مَعْنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (٦٣) قَالَ هَلْ أَمْنِكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا

كَمَا أَمْتُكُمْ عَلَى آخِيهِ مِنْ قَبْلٍ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرَحَمُ

الرَّاحِمِينَ (٦٤) وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا

يَا آبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَمَنْ يُرِئُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَ

نَرْدَادُ كَيْلَ بَعْرِ ذِلِّكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ (٦٥) قَالَ لَنِ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ

مَوْثِقًا مِنَ اللّٰهِ لَتَأْتِنَّ بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا أَتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ

اللّٰهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (٦٦) وَقَالَ يَا بَنِيَ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ

وَأَدْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَئِي

إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكِّلْ وَعَلَيْهِ فَلَيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (٦٧)

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمْرَهُمْ أَبْوَاهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَئِي

إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَيْهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمَنَا وَلِكِنَّ أَكْثَرَ

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٦٨) وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ أَوْيَ إِلَيْهِ أَخاهُ قَالَ إِنِّي

أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَسِّشْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٦٩) فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ

جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلٍ أَخْبَرَهُمْ ثُمَّ أَذْنَ مُؤَذِّنَ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ

لَسَارِقُونَ (٧٠) قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ (٧١) قَالُوا نَفْقَدُ صُوَاعِ

الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ (٧٢) قَالُوا تَالِلِهِ لَقَدْ

عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ (٧٣) قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ

كُنْتُمْ كَادِبِينَ (٧٤) قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذِلِكَ نَجْزِي

الظَّالِمِينَ (٧٥) فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِغَاءِ أَخْبَرَهُمْ ثُمَّ أَسْتَخْرُجُهَا مِنْ وِغَاءِ

أَخْبَرَهُ كَذِلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ

اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجاتٍ مِنْ نَشَاءَ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (٧٦) قَالُوا إِنْ

يَسْرِقُ فَقَدْ سَرَقَ أَخُوهُ مِنْ قَبْلٍ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبَدِّلْهَا هُمْ

قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (٧٧) قَالُوا يَا آمِّهَا الْعَزِيزُ

إِنَّ لَهُ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (٧٨)

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذَا لَظَالِمُونَ (٧٩)

فَلَمَّا آتَيْتَهُمْ خَلْصُوا نَحِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ

قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْتَقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلِ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَمَّا

أَئْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِيَ أَبِيَ أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرٌ

الْحَاكِمِينَ (٨٠) إِذْ جَعَوْا إِلَيْيَ أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ أَبْنَكَ سَرَقَ وَ

مَا شَهِدْنَا إِلَّا مَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِغَيْبٍ حَافِظِينَ (٨١) وَأَسْأَلِ

الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِرَّالَتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَضَادِقُونَ (٨٢)

ترجمه آيات ٦٣-٨٢

پس وقتی که به نزد پدرشان برگشتند، گفتند: ای پدر ما، پیمانه از ما منع شده است. پس برادرمان را پایما بفرست تا سهمی دریافت کنیم و قطعاً ما برادرمان را محافظت می کنیم. (٦٣)

یعقوب گفت: آیا به شما درباره او اعتماد کنم، همان طوری که درباره برادرش قبلًا اعتماد کردم؟ پس بجزها بهترین حافظ است و او مهریانترین مهریانان است. (٦٤)

وقتی که باز خود را باز کردند، دیدند مبلغی که داده بودند، به آنها برگردانده شده. گفتند: ای پدر ما، چه می خواهیم؟ این سرمایه ای است که ما داده بودیم و به ما برگردانده شده است و ما برای خانواده مان دوباره خوراکی می آوریم و برادرمان را حفظ می کنیم و یک بار شتر زیاد می کنیم. این را که آورده ایم، پیمانه کوچکی بود. (٦٥)

یعقوب گفت: هرگز فرزندم را با شما نخواهم فرستاد. مگر اینکه تعهد مؤکدی از خدا به من بدھید که او را صحیح و سالم به من برگردانید، مگر آنکه مانعی به شما برسد. پس وقتی که تعهد محکم خود را به

او دادند، گفت: خدا بر آنچه می‌گوئیم وکیل است. (۶۶)

و یعقوب گفت: ای فرزندانم، از یک در با هم وارد نشود و از درهای متفرقی داخل شوید و من نمی‌توانم چیزی که از جانب خدا به شما می‌رسد، شما را از آن نگه دارم. حکم جز از برای خدا نیست. بفر او توکل کردم و باید بر او توکل کنندگان توکل کنند. (۶۷)

وقتی که داخل شدند، از همان جائی که پدرشان به آنها امر کرده بود، این عمل هیچ ناراحتی را که از جانب خدا ممکن بود به آنها بر سردار آنها دور نکرد، مگر حاجتی که در قلب یعقوب بود که انجام شد و او قطعاً صاحب علمی بود که ما به او تعلیم داده بودیم ولی اکثر مردم نمی‌دانند. (۶۸)

و چون بر یوسف وارد شدند، برادرش را نزد خود جا داد و گفت: من برادرت هستم. پس از آنچه اینها می‌کردند، ناراحت نباش. (۶۹)

پس وقتی که بارهای آنها را بست، ظرف آبخاری را در بار برادرش گذاشت. سپس منادی ندا داد که‌ای قافله، شما دزد هستید. (۷۰)

برادران یوسف در حالی که رو به آنها کرده بودند، گفتند: چه چیز گم کرده‌اید؟ (۷۱)

گفتند: جام زرین ملک را گم کرده‌ایم و برای کسی که جام را بیاورد، یک بار شتر خواهد بود و من ضمانت آن را خواهم کرد. (۷۲)

برادران یوسف گفتند: قسم به خدا، قطعاً شما می‌دانید ما برای فساد در این سرزمین نیامده‌ایم و ما هرگز دزد نبوده‌ایم. (۷۳)

خدمتگزاران یوسف گفتند: پس چه چیز است جزای آن کس، اگر شما دروغگو باشید؟ (۷۴)
گفتند: جزای آن کسی که در بار او پیمانه پیدا شود، خود او جزای این عملش می‌باشد. این چنین ما ظالمین را جزا می‌دهیم. (۷۵)

پس ابتدا بارهای آنها را قبل از بار برادرش دستور تجسس داد. سپس آن را از بار برادرش بیرون آورد. این چنین مخفی کاری را ما به یوسف یاد دادیم. او نمی‌توانست برادرش را مطابق دین شاه (تحوہ دیگر) بگیرد. مگر اینکه خدا بخواهد. بالا می‌بریم درجات کسی را که بخواهیم و فوق هر صاحب علمی، دانائی است. (۷۶)

برادران یوسف گفتند: اگر دزدی می‌کند، قطعاً او برادری قبل‌داشت که او هم دزدی کرد. پس یوسف این کلمه را در دلش پنهان کرد و برای آنها ظاهر نکرد. و گفت: شما بدترین منزلت را دارید و خدا بهتر می‌داند آنچه را که توصیف می‌کنید. (۷۷)

برادران یوسف گفتند: ای عزیز، او پدر پیری دارد، یکی از ما برادران را به جای او نگهدار. ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم. (۷۸)

یوسف گفت: پناه می‌برم به خدا از اینکه کسی را غیر از همان کسی که وسیله‌مان را نزد او یافته‌ایم

بگیریم. که اگر این چنین کنیم، قطعاً ما در آن وقت از ستمگرانیم. (۷۹)

پس وقتی که از او مأیوس شدند، به کناری رفته و با یکدیگر آهسته صحبت کردند. بزرگترشان گفت: آیا نیمی دانید که قطعاً پدرتان از شما تعهد الهی گرفته است و قبل آنچه را که درباره یوسف کوتاهی نموده اید؟ هرگز من از این سرزمین خارج نمی شوم تا پدرم به من اذن دهد یا خدا درباره من حکم کند که او بهترین حکم‌کنندگان است. (۸۰)

برگردید به سوی پدرتان. بگویید: ای پدرمان، پسرت دزدی کرد و ما جز به آنچه می‌دانستیم، شهادت ندادیم و ما از غیب اطلاعی نداشتیم. (۸۱)

و از قریه‌ای که ما در آن بوده‌ایم و قافله‌ای که همراهش آمده‌ایم، سؤال کن و ما قطعاً راستگو هستیم. (۸۲)

برداشت از آیات ۶۳-۸۲

سالک الى الله باید این آیات را مورد توجه قرار دهد و برداشت‌های زیر را عمل کند:

۱- اوّل: سالک الى الله باید شرح صدری داشته باشد که اگر در کمال قدرت بود و از طرف اقوام و خویشاوندان به او جسارتی شد، آن را ندیده بگیرد و آنها را مؤاخذه نکند.

۲- دوم: سالک الى الله باید برای هر کاری که مهم است به خدا توکل کند و وثیقه‌ای از خدا بگیرد تا پیشیمان نشود.

۳- سوم: سالک الى الله باید بکوشید که قدرت و اموال خود را در مقابل چشم افراد تنگ نظر قرار ندهد که مباداً او را چشم بزنند.

۴- چهارم: سالک الى الله می‌تواند برای مصالح مهمی مانند: صلة رحم و نجات نزدیکان از بدیختی و گرفتاری، به توریه و خلاف واقع اظهار کردن، متولّ شود تا به مقصد برسد.

۵- پنجم: سالک الى الله نباید به خاطر گناه یک فرد، دیگران را مورد مؤاخذه قرار داده و یا آنها را به حافظ آن فرد که سرپیچی کرده، مورد ظلم قرار دهد.